

همیشه‌ی فرزندگ شاعر

فضای مجازی آدم‌ها را می‌بلعد

دیدار و گفت‌وگویی متفاوت با غلامحسین ابراهیمی دینانی استاد شاخص فلسفه

گفت‌وگو روزنامه‌نگار فرشاد شیرزادی

غلامحسین ابراهیمی دینانی از استادان شناخته‌شده و شاخص فلسفه اسلامی است که شناخت عمیقی هم از فلسفه غرب دارد. دینانی در آستانه ۸۹سالگی معتقد است مردم در همه جای جهان عمیق فکر نمی‌کنند و از عمیق‌اندیشیدن گریزانند و به‌دنبال روزمرگی و گذران زندگی‌اند. او می‌گوید: «مردم باید اهل تسامح و تسامح باشند و تحمل آرای یک‌دیگر را داشته باشند. در این صورت جامعه پیشرفت می‌کند و جامعه‌ای که هوش و خرد جمعی مردم در آن بالا باشد، جامعه‌ای مترقی است.» با دینانی درباره تعدد رسانه‌های مجازی و افتاح شدن مردم با این وسیله و فرار از اندیشیدن سخن گفتیم. گفت‌وگوی ما را با این استاد فلسفه از دست ندهید.

سازو کار هوش مصنوعی و نحوه تأثیر بر متن زندگی مردم، چه در ایران و چه در دیگر کشورهای در حال توسعه دارید؟

تقریباً اگر بخواه نگویم و برای شما رایا نکنم، اطلاعات دقیقی از هوش مصنوعی و نحوه سازوکارش بر متن زندگی مردم ندارم. در واقع با چنین اطلاعات ناقصی نمی‌توانم تصویری از آینده به‌دست دهم.

استاد دینانی، اگر کتاب و روزنامه از جامعه‌ای رخت برینند، چه اتفاقی برای آن جامعه رخ خواهد داد؟ می‌خواهم هر دورا به‌طور مجزا برآینان ببینم کنید.

معتقدم اگر کتاب هم نباشد، مردم با وسایل ارتباط جمعی متکلاشان را رقع و رجوع می‌کنند. چنانکه امروز این اتفاق در متن جامعه کم و بیش افتاده است. مردم با تلویزیون و فضای مجازی ارتباط برقرار می‌کنند و کاستی‌هایشان جبران می‌شود. به گمانم تلویزیون و فضای مجازی امروز جای هزاران جلد کتاب را گرفته است.

رسانه مکتوب چگونه قدری با تفصیل بیشتر برآینان شرح‌دهید، وقتی حضور رسانه مکتوب کم‌رنگ‌شود چه اتفاقی می‌افتد؟ همه اینها رسانه است. اما به اندازه فضای مجازی و تلویزیون تأثیر ندارد. امروز خوشبختانه یا متأسفانه مردم دیگر حوصله کتاب خواندن ندارند.

چرا؟ خودتان استاد فلسفه‌اید. چرا می‌گویید مردم حوصله کتاب خواندن ندارند؟

چون در سطح جامعه می‌بینم. در تآکسی، در اتوبوس و مترو بعینم مشاهده می‌کنیم و می‌کنید. من به اندازه خودم نسل جوان را می‌شناسم. اگر مرا به‌عنوان استاد فلسفه قبول دارید، پس این سخن من را هم ببزیرید. شما خودتان به‌عنوان خیر نگار چقدر کتاب می‌خوانید؟ جامعه آماری شما چقدر کتاب می‌خواند؟

به گمانم من و جامعه آماری ام ملاک و معیار خوبی برای رسیدن به پاسخ این پرسش نیستیم، چرا که هستند خبرنگارانی که مستمر و پیوسته مطالعه می‌کنند. می‌خواهم این مهم را برآینان بازگو کنم. گرچه مرا به‌عنوان استاد فلسفه قبول دارید اما به‌اصطلاح

علامه که نیستم. نسل جوان به‌منظرم چندان کتاب نمی‌خواند. این را با توجه به شناختی که از آنها دارم می‌گویم.

چرا؟ این موضوع ریشه در چه

علل و عواملی دارد؟

برای اینکه نیاز به مطالعه را در اعماق وجودشان حس نمی‌کنند، وقتی تلویزیون و فضای مجازی هست دیگر آنها رغبتی به کتاب و مطبوعات نشان نمی‌دهند یا رغبت و علاقه‌شان کم‌رنگ می‌شود.

جوان‌ها به نوعی با این مדיاهای افتاح می‌شوند. به همین دلیل ساده به‌خود می‌گویند که دیگر چرا سراغ کتاب برویم! از سوی دیگر آنچه به‌نظرشان مهم می‌آید در فضای مجازی می‌یابند.

این بلیه‌ای است که شاید گریبان دیگر کشورهای در حال توسعه را هم گرفته است. آیا از نظر شما کم‌رنگ‌شدن ارتباط با رسانه مکتوب مضراتی ندارد؟

جوان‌ها متأسفانه دیگر به مضرات این موضوع کاری ندارند. می‌خواهند بخشی از وقت خود را بگذرانند و از موضوعاتی اطلاع پیدا کنند که به این مقصد و مقصودشان هم می‌رسند. شما در

این مورد نباید پیش‌فرض دیگری مطرح کنید. این موضوع به‌خودی‌خود مجرد است و طرح پیش‌فرض در این زمینه موضوع را باطل می‌کند. اگر می‌خواهید موضوعی را بررسی کنید، باید سعی کنید آزاد و رها فکر کنید و بیندیشید. **اگر بخواهیم قدری آزاد و رها**

به موضوع نظر بفرماییم و آن را آسیب‌شناسی کنیم، از چه زاویه‌ای می‌توان آن را بررسی کرد و به چه دستاوردهایی خواهید رسید؟

هیچ چاره‌ای نیست! اقتضای دنیای امروز همین است. دنیا امروز یک دهکده است و همه جهان و کل کره زمین باهم مثل یک دهکده ارتباط دارند.

اگر آن سوی دنیا خبری شود، فوراً در این سوی دنیا مردم باخبر می‌شوند.

کشورهای توسعه‌یافته هم چنین‌اند؟ همین رویه را پیش‌گرفته‌اند و با چنین چالش‌هایی در متن زندگی‌شان روبه‌رو هستند؟ حتی می‌توان کشورهای آمریکای لاتین را مثال زد که به لحاظ فرهنگی، تمدنی و اجتماعی شباهت‌هایی با ما دارند. آنها چگونه‌اند؟ آنجا هم تأثیر رسانه مکتوب و کتاب کم‌رنگ‌شده؟

من که به‌طور دقیق نمی‌توانم روی آن کشورها

دقیقاً امروز هر بچه‌ای یک موبایل در دست دارد. هر راننده‌ای پشت فرمان اتومبیل موبایلی در دستش است. در خیابان آدم‌ها موبایل در دست می‌گیرند. متأسفانه همه‌چیز هم در این دستگاه وجود دارد! حتی کتاب و روزنامه و رسانه مکتوبی هم که اشاره می‌کنید، اگر اهلش پیدا شود، در همین موبایل مورد استفاده قرار خواهد گرفت. مردم باید در این فضا افتاح شوند. خودتان که می‌دانید تا افتاح نشوند نمی‌توان کاری کرد. باید صبر کرد و شکویا بود.

جوان‌ها قدری به‌دنبال خندیدن به هر دلیل و سرگرمی هستند. درباره این گزاره چه نظری دارید؟

چه می‌شود کرد؟ دنیا در اکثر نقاط و کشورهای خودش عمیق نیست. ما هم نمی‌توانیم کاری انجام دهیم. دنیا که عمیق فکر نمی‌کند. خود تلویزیون و فضای مجازی به میزان قابل‌ملاحظه‌ای مردم را سطحی بار آورده است. مردم هم در چنین جوامعی به دانستن اطلاعاتی ظاهری اکتفا می‌کنند. اغلب مردم جهان از اندیشیدن عمیق گریزانند. نمی‌خواهند بدانند که ماوار چیست، آغاز و انجام چیست و دل به همین روزمرگی خوش کرده‌اند و با روزمرگی‌ها زنده‌اند.

اگر امکان تغییر داشتید چه می‌کردید؟ غلامحسین ابراهیمی دینانی اگر امکان تغییر در سطح رسانه‌ای و مدیریت کتاب را در جامعه کلانی مانند ایران داشت، چه می‌کرد؟

من هیچ وقت در عمرم مدیریت را نپذیرفته‌ام و نمی‌پذیرم. من حرف می‌زنم. در رسانه ملی هم همین‌نکات را بارها به تفصیل بیشتری برای مردم بیان کرده‌ام. اگر کسی گوش کرد که کرد و اگر نکرد برآیم یکسان است.

اگر ابزاری داشتید که می‌توانستید چیزی را در عرصه فرهنگی تغییر دهید، آن تغییر شامل چه چیزی می‌شد؟

باور کنید که هیچ اقدامی انجام نمی‌دادم! چون قائل به این نیستم که با زور می‌توان کاری کرد.

تنها راه پیش‌روی ما گفتار است. گفتار یعنی اینکه حرف‌های مفید را باید به مردم گفت. اگر مردم بشنوند هوششان بالا خواهد رفت و از فکر کردن در ظاهر و سطح فاصله می‌گیرند. هوش مردم به هر طریقی باید بالا برود. دنیای

امروز با وسایل ارتباط جمعی خود و روش‌هایش مردم را سطحی بار آورده و کسی دنبال عمیق فکر کردن نیست. من هم به‌عنوان استاد فلسفه نمی‌توانم جادویی کنم و باعث شوم که مردم در وجود دارد! حتی کتاب و روزنامه و رسانه مکتوبی هم که اشاره می‌کنید، اگر اهلش پیدا شود، در همین موبایل مورد استفاده قرار خواهد گرفت. مردم باید در این فضا افتاح شوند. خودتان که می‌دانید تا افتاح نشوند نمی‌توان کاری کرد. باید صبر کرد و شکویا بود.

جوان‌ها قدری به‌دنبال خندیدن به هر دلیل و سرگرمی هستند. درباره این گزاره چه نظری دارید؟

چه می‌شود کرد؟ دنیا در اکثر نقاط و کشورهای خودش عمیق نیست. ما هم نمی‌توانیم کاری انجام دهیم. دنیا که عمیق فکر نمی‌کند. خود تلویزیون و فضای مجازی به میزان قابل‌ملاحظه‌ای مردم را سطحی بار آورده است. مردم هم در چنین جوامعی به دانستن اطلاعاتی ظاهری اکتفا می‌کنند. اغلب مردم جهان از اندیشیدن عمیق گریزانند. نمی‌خواهند بدانند که ماوار چیست، آغاز و انجام چیست و دل به همین روزمرگی خوش کرده‌اند و با روزمرگی‌ها زنده‌اند.

اگر امکان تغییر داشتید چه می‌کردید؟ غلامحسین ابراهیمی دینانی اگر امکان تغییر در سطح رسانه‌ای و مدیریت کتاب را در جامعه کلانی مانند ایران داشت، چه می‌کرد؟

من هیچ وقت در عمرم مدیریت را نپذیرفته‌ام و نمی‌پذیرم. من حرف می‌زنم. در رسانه ملی هم همین‌نکات را بارها به تفصیل بیشتری برای مردم بیان کرده‌ام. اگر کسی گوش کرد که کرد و اگر نکرد برآیم یکسان است.

اگر ابزاری داشتید که می‌توانستید چیزی را در عرصه فرهنگی تغییر دهید، آن تغییر شامل چه چیزی می‌شد؟

باور کنید که هیچ اقدامی انجام نمی‌دادم! چون قائل به این نیستم که با زور می‌توان کاری کرد.

تنها راه پیش‌روی ما گفتار است. گفتار یعنی اینکه حرف‌های مفید را باید به مردم گفت. اگر مردم بشنوند هوششان بالا خواهد رفت و از فکر کردن در ظاهر و سطح فاصله می‌گیرند. هوش مردم به هر طریقی باید بالا برود. دنیای



دریچه

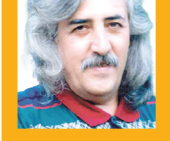
توسعه پایدار

صنعت چاپ

بابک عابدین، رئیس اتحادیه صادرکنندگان صنعت چاپ: صنعت چاپ و بسته‌بندی در ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نقش حیاتی در اقتصاد کشور دارد. توسعه پایدار این صنعت در سال‌های اخیر نیز نتیجه تعامل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و بخش خصوصی است.



جایزه حسین منزوی



اندیشه

درستایش عقل



کتاب «درستایش عقل» با زیر عنوان «چرا دمکراسی، امدار عقلانیت است» اثر خواندنی مایکل پاتریک لینگ را یاسر میردامادی به فارسی برگردانده و چاپ نخست آن به تازگی از سوی نشر نو منتشر شده است.

برخی روانشناسان و فیلسوفان، نقش عقل در زندگی ما را کم‌اهمیت جلوه داده‌اند. مایکل لینگ کار فوق‌العاده‌ای انجام داده است؛ در توضیح اینکه عقل چیست و چرا هیچ بهانه خوبی برای کنار گذاشتن عقل، این بهترین ایده روشنگری وجود ندارد، چیزی که در مورد کتاب قابل توجه است، سبک آن است؛ نویسنده استدلال‌های عمیق را با پرداختی همه‌فهم پیش می‌برد.

مضمون کتاب، بررسی فلسفی و اجتماعی است که به اهمیت عقل و تفکر منطقی در نظام‌های دمکراتیک می‌پردازد. لینگ در این اثر به بررسی نقش حیاتی عقلانیت در حفظ و تقویت دمکراسی می‌پردازد. وی معتقد است که در دنیای امروز به اطلاعات فراوان ولی گاهی مغلوب ساخته تبلیغات و پیش‌قضاوت‌هاست، نیازمند تفکر منطقی و عقلانیت بیش از پیش است. لینگ با مرور تاریخچه فلسفی عقلانیت، به تحلیل و نقد وضعیت موجود می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه نادیده گرفتن اصول عقلانیت می‌تواند به افول دمکراسی منجر شود. وی از مثال‌های تاریخی و معاصر استفاده می‌کند تا نشان دهد که چگونه عقلانیت می‌تواند به مواجهه با چالش‌های سیاسی و اجتماعی کمک کند. در واقع او با رویکرد فلسفی – عملی به بررسی موضوع می‌پردازد. نویسنده نه تنها به مفاهیم فلسفی عقلانیت پرداخته، بلکه نحوه کاربرد آنها در زندگی روزمره و سیاست را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد.

نشر نو این کتاب ۱۸۲ صفحه‌ای را به بهای ۲۰۰ هزار تومان منتشر کرده است.

داستان

حسد



کتاب «حسد» نوشته یوری ایشیارا پلدا بیدختی نژاد به فارسی برگردانده و به تازگی چاپ نخست آن از سوی نشر ماهی منتشر شده است.

در دل این کتاب، مخاطب با یک جهان پر از تضاد و انقلاب‌ها مواجه می‌شود؛ جایی که طبقات اجتماعی و احساسات انسانی در یک مخلوط پیچیده به تصویر کشیده شده‌اند. کاوالیرف، قهرمان این داستان، روشنفکری جوان و در تلاش است تا میان دنیای خکبه و نوین یک جایگاه بیابد. او نمادی از آن دسته انسان‌هایی است که در میانه تغییرات اجتماعی و فرهنگی می‌جویند و به‌دنبال هویت خود هستند.

ایشیا با ذکاوت و طنز، ما را با ۲ شخصیت متضاد مواجه می‌کند. آندری، یک تاجر موفق و مدل شهروند شوروی و نیکولای، فردی بی‌خانمان و بیکار که تحت حمایت آندری قرار می‌گیرد.

در این میان، حسد را به‌عنوان یک موتور محرکه برای روابط این ۳ شخصیت به تصویر می‌کشد و باعث می‌شود که انسان‌ها به تفکر در مورد احساسات و مفاهیمی چون وفا، خیانت، عشق و جاهطلبی بيفتند.

معرفت و دانش نویسنده در ایجاد تصویری غیرقابل پیش‌بینی از روابط انسانی و اجتماعی است که باعث می‌شود خواننده فیلم «احمدرضا احمدی»

در نهایت «حسد» نه تنها رمانی است که به چالش‌های فردی و اجتماعی می‌پردازد، بلکه یک نمایشنامه از روابط انسانی است که در آن احساسات به صورت غیرقابل پیش‌بینی با یکدیگر در تعامل هستند. یوری ایشیاروی کار لوویچ اولسا (فوریه ۱۸۹۹ – ۱۰ مه ۱۹۶۰) رمان نویس روسی و شوروی بود. او را یکی از بزرگ‌ترین رمان‌نویسان روسی قرن بیستم می‌دانند.

نشر ماهی این کتاب ۲۱۶ صفحه‌ای را به بهای ۱۱۰ هزار تومان منتشر کرده است.

